

مقیاس‌های روش زندگی در مسکن

محسن افشاری*، شهرام پوردیهیمی**

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۲/۰۹/۰۹

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۴/۰۶/۱۸

چکیده

«روش زندگی و مقیاس‌های آن» به‌عنوان یک مؤلفه فرهنگی بارز و تأثیرگذار در شکل‌دهی مسکن و محیط مسکونی می‌باشد. روش زندگی در مقیاس‌های متفاوت فردی و جمعی، طی فرادادهای فرهنگی، نمود آشکار فرهنگ در زندگی انسان به‌شمار می‌رود که قرارگاه‌های رفتاری را در محیط ساخته شده انتظام می‌بخشد. در مقیاس‌های مختلف روش زندگی در مسکن تعاریف گوناگونی مطرح گردیده است، لیکن تحقیق حاضر، با هدف روشننگری اذهان طراحان از طریق یک روش تحقیق کیفی نظام‌مند، به تحلیل مقیاس‌های روش زندگی در محیط‌های انسان ساخت بومی پرداخته است. نمونه‌های مورد مطالعه از گروه یکپارچه فرهنگی ایل قشقایی به‌صورت نظری و هدفمند انتخاب شده‌اند. بر خلاف مطالعات و تحقیقات‌اندیشمندان علوم اجتماعی که از مفهوم «سبک زندگی» برای تمایز بخشی به سبک‌های زندگی طبقات و تبیین معیارهای منزلت اجتماعی در یک جامعه استفاده می‌کنند، این تحقیق به تحلیل رفتاری-محیطی «مقیاس‌های روش زندگی» در مسکن خانواده پرداخته است. در این مطالعات، از روش‌هایی همچون عکس‌برداری، برداشت واحدهای مسکونی و دیگرام قرارگاه‌های رفتاری سکونت، مصاحبه و پرسشنامه به جهت کشف ترجیحات و معانی سکونت در چهار سطح و مدل ابزار-غایت بهره گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مقیاس‌های روش زندگی با تکیه بر معانی ذهنی انسانی، اساس شکل‌گیری قرارگاه‌های رفتاری و متعاقباً انتظام فضایی محیط مسکونی شکل گرفته‌اند. یافته‌های این تحقیق بر این مسئله تأکید دارد که محیط‌های انسان ساخت به‌خصوص محیط‌های مسکونی محصول نظام‌های فرهنگی انسان هستند.

واژگان کلیدی: محیط ساخته شده، مسکن، مقیاس‌های روش زندگی، انتظام فضایی، قرارگاه رفتاری.

* دانشجوی دکترای معماری دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی تهران. مدرس دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر

اصفهان. mohsenafshary@yahoo.com

** استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

مفهوم "Lifestyle" یکی از مفاهیم پرکاربرد در مطالعات و تحقیقات علوم اجتماعی است. آنچه که اهمیت تمرکز بر مطالعه مفهوم «روش زندگی» را نشان می‌دهد، نخست این است که «روش زندگی» تنها وجه عینی و مشخص فرهنگ است که از خلال آن می‌توان به تمایزهای فردی و گروهی و متعاقباً مسئله هویت افراد و گروه‌ها دست یافت. دوم آن‌که «روش زندگی» محصول نهایی فرهنگ از طریق رفتارهای عمدتاً آشکار است که محیط ساخته شده را شکل می‌دهد. در این حالت، روش زندگی سطحی‌ترین لایه‌های زندگی را به عمیق‌ترین لایه‌های آن پیوند می‌زند. سوم آن‌که «روش زندگی» شاخصه‌های شأن و منزلت اجتماعی را از طریق وضعیت اقتصادی، تحصیلی، مذهبی خانواده یا گروه‌های اجتماعی به نمایش می‌گذارد. این حالت از «روش زندگی» از طریق عناصر ثابت، نیمه ثابت و غیر ثابت خود را می‌نمایاند. به همین دلیل است که «روش زندگی» دستمایه تبلیغات بازاریابی برای تحمیل عناصر زندگی منتهی به طبقه اجتماعی و نهایتاً ایجاد مصرف‌گرایی است، اما در مطالعات و تحقیقات درباره محیط مصنوع، توجهی به وجوه تحقق‌پذیر «روش زندگی» و کاربردی نمودن آن نشده است.

واژه "Lifestyle" که به نوعی هم معنی با لغت «روش زندگی» می‌باشد از دو جزء "Life" یعنی زندگی و "Style" می‌باشد که در بیشتر ادبیات معاصر پارسی معادل با «سبک» در نظر گرفته شده است. معنی لغوی «زندگی» از فعل زیستن مشتق شده است و به همه امورات عینی و ذهنی انسان دلالت دارد. در لغت نامه‌ها معنی لغوی "Lifestyle" به دو صورت بیشتر مورد توجه بوده است؛ در شکل اول آن را شیوه نوعی زندگی فرد، گروه یا فرهنگ شیوه خاص از زندگی یک شخص یا

گروه می‌دانند، در شکل دوم آن را شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است، معنی می‌کنند. یعنی عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و مانند آن که با هم، طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد، مورد توجه قرار می‌گیرد. (Merriam-Webster, 2013; Farlex, 2013) در تعاریف فوق کلمه "Lifestyle" در معنای اول توضیح واژه به واژه «روش زندگی» است و در معنای دوم اصطلاحی که امروزه در ادبیات علوم انسانی و اجتماعی رواج یافته است، را مطرح می‌نماید.

مفاهیم «سبک زندگی» و «روش زندگی» با هم تفاوت دارند. سبک زندگی موضوعی است که دستمایه اندیشمندان علوم انسانی و اجتماعی برای مقایسه طبقات اجتماعی و منزلت اجتماعی افراد است و به عبارتی مفهومی قیاس‌پذیر برای اهداف مطالعاتی مانند رابطه سبک زندگی و هویت، بهداشت سلامت و یا مصرف‌گرایی است. چنانچه بوردیو در این باره می‌گوید که به محض اینکه فاصله عینی از نیاز بیشتر می‌شود، سبک زندگی محصول چیزی می‌شود که به آن «سبک‌دهی» به زندگی می‌نامد. (Bourdieu, 1984, p. 55) بنابراین به لحاظ ماهیت پژوهش و ایجاد تفاوت معنادار، برای «تحلیل رفتاری- محیطی» از واژگان «روش زندگی» در این تحقیق استفاده شده است.

اندیشمندان حوزه علوم انسانی (Leslie, Larson, & Gorman, 1994; Bourdieu, 1984; Simmel, 1922) (گیلدنز، ۱۳۹۱؛ فاضلی، ۱۳۸۲؛ مهدوی کنی، ۱۳۸۷) درباره «سبک‌های مختلف زندگی» از دیدگاه‌های متفاوت تعاریفی ارائه نموده‌اند. متعاقب آن، پژوهش‌هایی نیز در ارتباط با «سبک‌های زندگی» در حوزه مسکن صورت پذیرفته است. (Jansen, 2011; Heijs, Carton, Smeets, & Gemert, 2009; Coolen & Ozaki, 2004; Sills & Merton, 1991)

دیدگاه آشوری (۱۳۸۹) فرهنگ یا تمدن، «کلیت در هم تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم، و هر گونه توانایی و عادتی که آدمی همچون هموندی^۱ از جامعه به دست می‌آورد». آنچه که درباره مفهوم فرهنگ اهمیت دارد این است که نظام فرهنگی انسان براساس فرادادهای فرهنگی در گذر زمان شکل تقریباً ثابت و قدرتمندی پیدا می‌کند و لذا دیگر وجوه زندگی انسان شامل جهان بینی (نگرش اعضای یک فرهنگ خاص در یک جامعه به تمام موضوعات مربوط به هستی‌شناسی)، نظام‌های ارزشی و روش زندگی را نظام می‌بخشد. (آشوری & دیگران...، ۱۳۸۱؛ پهلوان، ۱۳۸۸؛ رفیع پور، ۱۳۸۹؛ آشوری، ۱۳۸۹؛ پهلوان، ۱۳۹۰)

ارزش‌ها، باورهای ریشه‌دار پنهانی هستند که پایه و اساس بینش و کنش انسان را تشکیل می‌دهند و در انتخاب و انجام کنش نقش دارند و تعیین‌کننده رفتار و کنش اجتماعی هستند. (سهامی، ۱۳۸۷) (Schwartz, 1992) در این باره پوردیهیمی (۱۳۹۰) می‌افزاید: «ارزش‌ها که در ارزیابی محیط نقش مهمی ایفا می‌کنند، از طریق ایده آل‌ها، تصورات، طرح‌واره‌ها و معانی بیان می‌شوند که این جنبه‌ها منجر به ایجاد هنجارها، استانداردها، قوانین، توقعات و ... می‌گردند و در نهایت همه آن‌ها به روش زندگی وابسته هستند.» محققان دیگری، در یک دسته‌بندی، رویکردهای پژوهشی در باب ارتباط فرهنگ و معماری و اهداف آن‌را در حوزه‌های مختلف مبانی نظری و آثار معماری تشریح نموده‌اند. (مظفر، حسینی، & عبدالمجیری، ۱۳۹۱)

مبانی نظری تحقیق

از نگاه زیمل (۱۹۰۸)، «روش زندگی» کل به هم پیوسته‌ای از اشکال (صورت‌هایی) است که فرد یا گروه حسب انگیزه‌های درونی خودشان و برای ایجاد توازنی

لیکن، آنچه که در این تحقیق درباره مقیاس‌های روش زندگی در مسکن مدنظر تحقیق است، به دور از دیدگاه‌های سبک گرایانه فوق می‌باشد. در واقع این تحقیق در جستجوی مؤلفه‌های «روش زندگی» است که امکان بررسی «مقیاس‌های روش زندگی» را در مسکن یک خانوار فراهم آورد. بنابراین با توجه به مقدمات موضوع می‌توان پرسش‌های تحقیق را اینگونه مطرح کرد: - آیا «روش زندگی انسان» در رشته‌های طراحی محیطی دارای مقیاس‌های متفاوت است؟

- چگونه می‌توان «مقیاس‌های روش زندگی» در مسکن و وجوه آن‌را برای اهداف کاربردی مورد مطالعه و بررسی قرار داد؟

رابطه فرهنگ، روش زندگی و محیط ساخته شده

راپاپورت (2005)، فرهنگ را یک مفهوم نظری و یک برچسب بر طیفی از پدیده‌های انسانی می‌داند. مفهوم فرهنگ، مجرد، کلی و گسترده است و محیط ساخته شده متأثر از روش زندگی و به‌عنوان یکی از پدیده‌های انسانی بخشی از فرهنگ است. (Rapoport, 1980, p. 11; Rapoport, 1993; Rapoport, 2005, p. 93) محققان دیگری نیز روش زندگی را جزئی از فرهنگ دانسته‌اند. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷؛ پهلوان، ۱۳۸۸؛ ۱۳۹۰) در این باره، پوردیهیمی (۱۳۹۰) طی یک نمودار جامع به تجزیه فرهنگ به اجزا و عناصر خرد و ارتباط آن با محیط‌های مسکونی پرداخته است. در این نمودار، فرهنگ از طریق سلسله مراتب جهان بینی، نظام‌های ارزشی، روش زندگی فردی و جمعی و دیگر عناصر واسط محیط ساخته شده را شکل می‌دهد.

فرهنگ از دیدگاه‌های مختلف دارای تعاریف متعدد است. (رفیع پور، ۱۳۸۱؛ شولتز، ۱۳۸۲؛ مهدوی کنی، ۱۳۸۶؛ ۱۳۸۷؛ پهلوان، ۱۳۸۸؛ جوشن لو & رستمی، ۱۳۸۸؛ رفیع پور، ۱۳۸۹؛ عسگری خانقاه & شریف کمالی، ۱۳۸۸؛ ۱۳۹۰؛ پهلوان، ۱۳۹۰؛ پوردیهیمی، ۱۳۹۰) از

میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی و انسانی (اش) بر می‌گزینند. (Simmel, 1922)

ماکس وبر، سبک زندگی را ارزش‌ها و رسم‌های مشترکی در نظر می‌گیرد که به گروه، احساس هویت جمعی می‌بخشد و کمتر آن‌را به‌عنوان روشی برای سازگاری با نیازهای روان شناختی افراد و سلاقی آزاد آنان می‌داند. (توسلی، ۱۳۷۳، ص. ۶۳) مک کی (۱۹۶۹) در مورد دیدگاه وبر می‌نویسد که سبک زندگی به روش‌هایی بر می‌گردد که طبقات و گروه‌های هم رتبه آن‌را انتخاب نموده و بدین سبب نوعی از زندگی پدید می‌آید که شامل مجموعه‌ای از باورها و الگوی فرهنگی و رفتاری است. بر این اساس هر یک از طبقات اجتماعی، سبک زندگی خود را پرورش می‌دهد و «جهان‌بینی» متمایزی را به نمایش می‌گذارد. (Mckee, 1969, p. 275)

آلفرد آدلر (۱۹۵۶)، سبک زندگی را کلیت بی‌همتا و فردی، برای دستیابی به هدف و خلاقیتی حاصل از کنار آمدن با محیط و محدودیت‌های آن می‌داند. در نگاه آدلر، سبک زندگی امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را برای امر واحد هدایت می‌کند و خود به‌واسطه خوی‌ها و منش فردی شکل می‌گیرد. (محفوظی & دیگران، ۱۳۷۸؛ سیف، ۱۳۸۹)

گیدنز معتقد است که «سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آن‌ها را به‌کار می‌گیرد چون نه فقط نیازهای جاری او را بر می‌آورند بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران متجسم می‌سازند.» (گیدنز، ۱۳۹۱)

مهدوی کنی، سبک زندگی را الگویی همگرا از رفتارهای درونی و بیرونی، وضعیت‌های اجتماعی و دارایی‌هایی می‌داند که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیحات (سلیقه) اش را در تعامل با شرایط

محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند وی به اختصار آن‌را «الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجح» می‌نامد. (مهدوی کنی، ۱۳۸۶؛ ۱۳۸۷)

آنچه که در تعاریف "Lifestyle" در علوم اجتماعی توسط اندیشمندان فوق و دیگر اندیشمندان (Veblen, 1919; Mckee, 1969; Bourdieu, 1984; Sills & Merton, 1991; Leslie, Larson, & Gorman, 1994; Uth, 1996) (هندری & دیگران، ۱۳۸۱؛ فاضلی، ۱۳۸۲) آمده است را می‌توان پیرامون محورها و عناصر اصلی زیر جمع‌بندی کرد:

۱- مفهوم وحدت و مفهوم تمایز در تعاریف. روش زندگی شامل مجموعه‌ای از عناصر نظام‌مند و همبسته می‌باشد که کلیت تمایز بخشی برای افراد یا گروه‌ها از یکدیگر می‌باشد.

۲- در تعاریف روش زندگی جنبه‌های عینی یا ذهنی آن نقش اصلی را ایفا می‌کنند.

۳- روش‌های زندگی معمولاً در مقیاس‌های فردی و اجتماعی پدید می‌آیند.

۴- روش زندگی دارای جنبه‌های نمادین است و ساختار آن برای دسترسی به اهداف مشخصی است.

۵- افراد یا گروه‌های اجتماعی عناصر و اجزاء روش زندگی را به‌صورت گزینشی انتخاب می‌کنند.

۶- در روش زندگی بین جنبه‌های ذهنی و عینی همواره توازن و تعادل برقرار می‌گردد.

باید توجه داشت که شش محور فوق که از دیدگاه‌های اندیشمندان اقتباس شده‌اند، در تضاد و تناقض با یکدیگر نیستند، بلکه این تعاریف مکمل یکدیگرند و وجوه مختلف و مکمل مفهوم «روش زندگی» را از زوایای متفاوت آشکار می‌نمایند لیکن دسته دوم تعاریف که توسط اندیشمندان حوزه محیط ارائه شده‌اند، به مطالعه و فهم این مفهوم کمک می‌نمایند.

تلاش‌هایی صورت گرفته است. یکی از تحقیقات میدانی اولیه، تحقیق چاپین (۱۹۳۵) است که در آن‌ها تکیه اصلی به بررسی محل سکونت، نوع خانه، وسایل اتاق نشیمن و دیگر جلوه‌های عینی شأن و منزلت می‌باشد، که موسوم به «مقیاس اتاق نشیمن»^۲ است. این مقیاس بر مبنای این واقعیت ساخته شد که عموماً «سبک زندگی» و خصوصاً اشیای تحت تملک مردم، در طبقه‌های مختلف تفاوت دارد. از نظر چاپین، لوازمی که در اتاق نشیمن یافت می‌شود منعکس‌کننده دستاوردهای فرهنگی، دارایی‌های مادی و منزلت اقتصادی و اجتماعی خانواده است. (Sills & Merton, 1991)

هجیس و دیگران، درباره پیچیدگی‌های مفهوم «سبک زندگی» و لزوم تجزیه عناصر آن و استفاده از این مفهوم برای تحلیل ترجیحات مسکن و پیش‌بینی تقاضای مسکن مطالبی بدون ارائه راهکاری مشخص عنوان نموده‌اند. (Heijs, Carton, Smeets, & Gemert, 2009) جانسن، نیز مسئله استفاده از سبک‌های زندگی را برای مطالعه ترجیحات و بازاریابی مسکن پیشنهاد می‌دهد. (Jansen, 2011) کولن و ازاک، با استفاده مدل ابزار-غایت و ساختار معانی، روشی مبتنی بر آمار را برای مطالعه ترجیحات و انتخاب‌های مسکن ارائه می‌دهند که محصول نهایی آن ارائه مدل ساختار معانی مسکن در یک جامعه است و تأکید دارند که این روش در برگیرنده مؤلفه‌های روش زندگی است. (Coolen & Ozaki, 2004) این روش در مطالعاتی بعدتر مورد استفاده قرار گرفته است. (Coolen, 2008; Meesters, 2009; Coolen & Meesters, 2012) (نورتقانی، ۱۳۹۱)

با توجه به مطالب عنوان شده، آنچه که در این تحقیق درباره مقیاس‌های روش زندگی در مسکن مدنظر است، به دور از دیدگاه‌های سبک گرایانه فوق و در جستجوی مؤلفه‌های «روش زندگی» در زمینه طراحی محیطی

از دیدگاه پوردیهیمی (۱۳۹۰)، روش زندگی به انتخاب کیفیت‌های محیطی، کیفیت‌های زندگی، فعالیت‌ها و شیوه انجام فعالیت‌ها مربوط می‌گردد. «روش زندگی مفهومی است که به هر حال، در محیط‌های ساخته شده براساس ارزش‌ها یعنی ایده آل‌ها، تصورات، طرح‌واره‌ها و ... شکل می‌گیرد و در جوامع پدید می‌آید. آنچه در ماهیت روش زندگی در محیط‌های ساخته شده اهمیت پیدا می‌کند آن است که روش زندگی منحصر به یک فضا نیست، بلکه در مقیاس‌های مختلف و در محیط‌های گوناگونی پدید می‌آید، به همین سبب تنوعات زیادی پیدا می‌کند.» راپاپورت (۱۳۸۸) مهم‌ترین جنبه‌های روش زندگی که بر شکل بنا تأثیر می‌گذارند شامل پنج مورد دانسته است؛ پاره‌ای از نیازهای اساسی، خانواده، جا و مقام زن، محرمیت و روابط اجتماعی.

پوردیهیمی (۱۳۹۰) در یک تقسیم‌بندی، روش زندگی در محیط‌های ساخته شده را به روش زندگی در یک فضا، یا در مجموعه‌ای از فضاها در یک عرصه، روش زندگی در بناهای مختلف با کاربری‌های متفاوت، روش زندگی اجتماعی در محیطی کلان طبقه‌بندی نموده است. زندگی اجتماعی نیز خود به دو گروه تقسیم می‌گردد؛ یکی زندگی اجتماعی خویشاوندی که شامل روابط با خویشاوندان و بنیان خانواده می‌گردد و دیگری زندگی اجتماعی عمومی که شبکه‌های اجتماعی، نهادها و نظایر آن‌را در بر می‌گیرد. با توجه به ارائه تعاریف وجوه "Lifestyle" در علوم اجتماعی و محیطی، پرسشی که به ذهن خطور می‌کند این است که با توجه به اهمیت این مفهوم، چگونه می‌توان آن‌را در زمینه مطالعات محیطی مورد تحقیق قرار داد و برای مخاطبین این رشته قابل فهم و دستیابی نمود.

مؤلفه‌های مطالعه روش زندگی

یکی از راه‌های درک و مطالعه مفهوم «روش زندگی» تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های آن است که در این راستا،

می‌باشد که امکان بررسی «مقیاس‌های روش زندگی» را در مسکن یک خانوار فراهم آورد.

روش‌شناسی تحقیق و مطالعه موردی

در این تحقیق، چارچوب نظری براساس دیدگاه‌ها و نظام فرهنگی قرار دارند. بنابراین مفهوم «روش زندگی» در پژوهش‌های میدانی و مطالعه موردی براساس نظام‌های فرهنگی جامعه مورد تحلیل قرار گرفت.

در راستای مطلب فوق و مطالعه مؤلفه‌های روش زندگی و ارائه شواهد ملموس، محققین محیط‌هایی را مورد تحلیل قرار دادند که دارای یکپارچگی فرهنگی و درجه کمتری از آشفتگی بود. مجتمع‌های زیستی کلان مانند شهرها، ضمن اختلاط فرهنگی، از مسائل اقتصادی و اجتماعی به مراتب مختلف متأثر هستند. بنابراین، تحلیل محیط‌های انسان ساخت بومی که نسبت به دیگر محیط‌های ساخته شده از آشفتگی کمتر و یکپارچگی فرهنگی برخوردار هستند، زمینه مناسبی را برای روشننگری موضوع پژوهش فراهم آورد. در این پژوهش، حوزه محیطی و انسانی مطالعه موردی، محیط بومی «ایل قشقایی» در جنوب استان اصفهان، از طایفه دره شوری انتخاب گردید. ایل قشقایی از عشایر کوچرو جنوب ایران در محدوده استان‌های فارس، اصفهان و بوشهر می‌باشد. نحوه معیشت ایل قشقایی مبتنی بر دامداری و بعضاً کشاورزی و دامداری در محدوده عرفی سکونت آنان می‌باشد. نمونه‌های تحقیق براساس مفهوم «اشباع نظری» و براساس معیارهای نظری انتخاب گردیدند. (رنجبر & دیگران، ۱۳۹۱) تصویر شماره ۱ نشان‌دهنده موقعیت و همجواری‌های گروه اول مورد مطالعه می‌باشد. به‌منظور درک مقیاس‌های روش زندگی، انتظام فضایی مسکن در نمونه‌هایی از یورد (سکونتگاه عشایری در زبان ترکی قشقایی) عشایری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و ضمن تهیه دیاگرام‌های قرارگاه‌های رفتاری

مسکن، مقیاس مورد کاربرد آن در روش زندگی ساکنین بررسی گردید. برای گردآوری و تحلیل اطلاعات از روش‌های تحقیق کیفی با تکنیک‌هایی همچون ترسیم نقشه‌های مقیاس‌دار معماری محیط ساخته شده، عکسبرداری از محیط و فعالیت‌ها، ترسیم دیاگرام توالی قرارگاه‌های رفتاری، مصاحبه نیمه ساختار یافته نردبانی و مدل ابزار-غایت استفاده گردید.

یکی از مفاهیم اصلی در این پژوهش، مفهوم «قرارگاه رفتاری»^۳ می‌باشد. بارکر (1968) بنیانگذار روانشناسی محیط، قرارگاه رفتاری را به‌عنوان واحدهای ترکیبی از «رفتار-کالبد» تشریح کرده است. باید توجه داشت که قرارگاه‌ها مانند فضا نیستند. یک فضا می‌تواند هم زمان قرارگاه‌های زیادی را در بر بگیرد. همچنین در طول زمان، قرارگاه‌های رفتاری متفاوتی می‌تواند در یک فضا اتفاق بیافتد. بررسی قرارگاه‌های رفتاری و معانی و قواعد حاکم بر انتظام آن از طریق مدل ابزار- غایت منجر به کشف و فهم وجوه مقیاس‌های روش زندگی در مسکن خانوارهای مورد مطالعه گردید.

ابزار- غایت^۴ مدلی است که تلاش می‌کند گزینه‌های انتخابی افراد را با ارزش‌های اساسی و اهداف آن‌ها نسبت دهد. (Gutman, 1982; Coolen, 2008)

ایده اصلی در مدل ابزار- غایت این است که افراد گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که پیامد مطلوبی داشته و پیامدهای نامطلوب را به حداقل برسانند. ارزش‌ها نقش مهمی در هدایت الگوهای انتخاب شده دارند. ارزش‌ها با ارزیابی مثبت یا منفی با پیامدهای گزینه‌های انتخابی افراد ارتباط برقرار می‌کنند. برای انتخاب صحیح از میان گزینه‌های مختلف با پیامدهای متفاوت، افراد باید خصوصیات گزینه‌های مختلفی را که پیامدهای مطلوب را در پی دارند، یاد بگیرند. (Coolen, 2008) مدل ابزار- غایت از طریق یک مصاحبه نیمه ساختار یافته نردبانی به

- مرحله سوم: پرسش‌های سطح سکونت یورد؛ پرسش در مورد فضاها، جایگیری، جهت، فرم، ابعاد، فواصل و پیامدها و معانی آن.

- مرحله چهارم: پرسش‌های سطح فعالیت‌های سکونتی یورد؛ پرسش در مورد فعالیت‌ها، توالی زمانی و قرارگاهی آن و پیامدها و معانی آن.

بعد از بررسی و برداشت نقشه‌های انتظام فضایی و دیاگرام قرارگاه‌های رفتاری، از محتوای مصاحبه‌ها و مدل ابزار-غایت برای فهم چرایی انتخاب و جایگیری قرارگاه‌ها، ارتباط و تفکیک قرارگاه‌ها و توالی زمانی و فضایی قرارگاه‌ها در ارتباط با انتظام فضایی و معانی ضمنی آن استفاده گردید.

کشف سلسله خصوصیات، پیامدها و ارزش‌ها می‌انجامد. مصاحبه نیمه ساختار یافته نردبانی (هومن، ۱۳۸۹؛ حافظ نیا، ۱۳۸۹) در این تحقیق، از طریق یک پرسشنامه انجام گرفت. پرسشنامه مصاحبه تحت عنوان «پرسشنامه کشف معانی سکونت و انتظام فضاها و زندگی» بعد از دو بار آزمون پایه در چهار مرحله ذیل ساماندهی و مورد استفاده قرار گرفت:

- مرحله اول: پرسش‌های سطح سکونت منطقه‌ای؛ پرسش در مورد مناطق همجوار، تعاملات و فعالیت‌های بین منطقه‌ای و پیامدها و معانی آن.

- مرحله دوم: پرسش‌های سطح سکونت همسایگی؛ پرسش در مورد همسایگی‌ها، تعاملات و فعالیت‌های بین همسایگی و پیامدها و معانی آن.



ت ۱. موقعیت نمونه‌های هدف تحقیق در منطقه عشایرنشین آئین قرین، جنوب استان اصفهان (محدوده‌های بزرگتر مربوط به مرزهای مالکیت مرتعی و محدوده‌های کوچکتر حدود فضای یوردها در گروه اول تحقیق می‌باشد. هر یورد با شماره مشخص شده است).

به صورت محتوایی مورد تحلیل قرار گرفتند. به منظور درک «مقیاس‌های روش زندگی» یافته‌های نهایی که مورد تحلیل قرار گرفته‌اند برای یک واحد مسکونی (تصویر

تحلیل یافته‌ها و نتایج

یافته‌های پژوهش در نمونه‌های مطالعه موردی مسکن عشایری در قالب نقشه، تصویر، دیاگرام و مصاحبه

Downloaded from jhre.ir on 2024-05-03]

سیاه چادر اصلی و قاپوی یورد صورت می‌پذیرد.



ت ۵. جلوتر بودن معنادر سیاه چادر اصلی نسبت به چادر مطبخ (متأثر از مقیاس‌های روش زندگی).



ت ۶. فضای داخلی سیاه چادر مطبخ با قرارگاه‌های رفتاری روش زندگی خانوادگی و اجتماعی همسایگی (مهمانی خودمانی).



ت ۷. فضای داخلی سیاه چادر اصلی قرارگاه‌های رفتاری در مقیاس روش زندگی خانوادگی و اجتماعی خویشاوندی و عمومی (مهمانی رسمی).

مطبخ، قاپو (محوطه باز جلوی مسکن عشایری، واژه‌ای ترکی و به معنی لغوی پیشگاه یا محضر) و اشارات محیطی اطراف آن است. در تصویر شماره ۳ قرارگاه‌های مورد استفاده در مقیاس روش زندگی خانوادگی این مسکن با محدوده‌های رنگی با درج نام قرارگاه‌های رفتاری آن نشان داده شده است. نکته جالب توجه این است که سیاه چادری که نام مطبخ گرفته است، پذیرای عمده فعالیت زندگی خانواده شامل صرف صبحانه، نهار، شام، دور همنشینی، فعالیت‌های آشپزی و فعالیت‌های آبدارخانه‌ای مطبخ در فضای بسته می‌باشد. در هنگام پذیرایی از مهمان، سیاه چادر اصلی با مساحت ۶۰ مترمربع به‌طور کامل در خدمت پذیرایی از مهمان و نشان‌دهنده شأن و منزلت صاحبخانه است و کلیه فعالیت‌های مربوط به آشپزی و فعالیت‌های وابسته در مرتبه‌ای عقب‌تر اتفاق می‌افتاد. (معنادر بودن جلو و عقب) طی مصاحبه‌های تحقیق مشخص گردید که این انتظام فضایی (عقب‌تربودن مطبخ) از دو عامل تأثیر می‌گیرد: ۱) توجه به حریمیت زنان به‌عنوان عاملین فعالیت‌های مطبخ و ۲) معنی؛ کم ارزش بودن فعالیت‌های مطبخ باوجود ضروری بودن آن، بدین‌صورت که فعالیت‌های آشپزی و فعالیت‌های وابسته در صورت جلوی دید مهمان بودن کسر شأن و منزلت صاحبخانه محسوب می‌گردد.



ت ۸. کالبد سیاه چادرهای عشایری و قاپوی آن.

لذا مشاهده می‌شود که تراکم بالایی از قرارگاه‌های رفتاری در بخش کم مساحت مطبخ و تراکم کمتری از قرارگاه‌ها در



ت ۹. فضای قرارگاه‌های رفتاری فعالیت‌های روزانه و آشنایی زنان در فضای روباز در مقیاس روش زندگی خانوادگی و اجتماعی همسایگی.

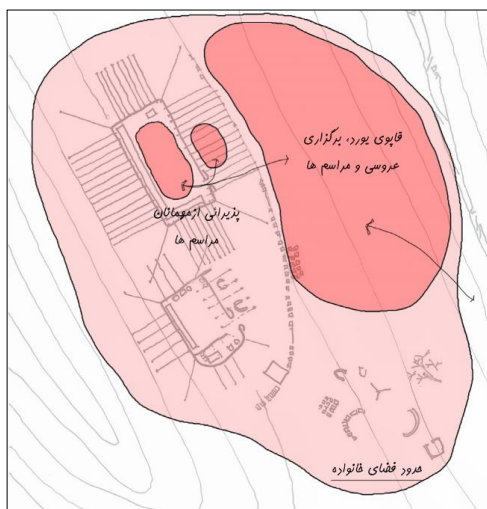


ت ۸. فضای قرارگاه‌های رفتاری دوره‌مشنشینی دور
اجاق در فضای باز در جلوی سیاه چادر مطبخ در
مقیاس روش زندگی خانوادگی و همسایگی.



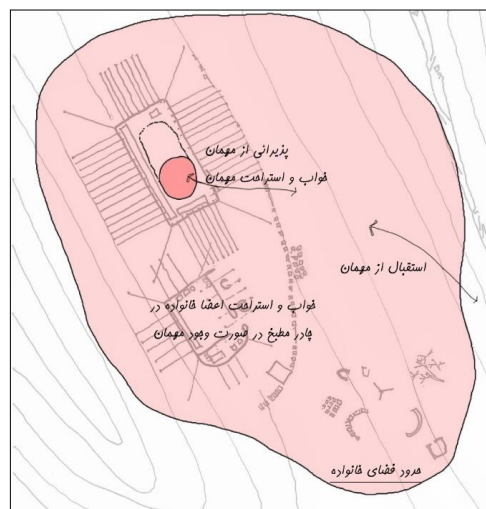
ت ۱۰. دیاگرام قرارگاه‌های رفتاری مسکن در مقیاس روش زندگی اجتماعی همسایگی و ارتباطات آن.

با مساحت ۶۰ مترمربع که فراتر از استفاده یک خانوار چند نفره است، به واقع در خدمت شأن و منزلت اجتماعی خانوار است و ابعاد بزرگ آن در مقیاس روش زندگی اجتماعی خویشاوندی شامل مراسم‌ها و عروسی (تصویر شماره ۱۳) و همچنین روش زندگی اجتماعی عمومی شامل پذیرایی از مهمان (تصویر شماره ۱۴) استفاده می‌گردد.



ت ۱۲. دیاگرام قرارگاه‌های رفتاری مسکن در مقیاس روش زندگی اجتماعی عمومی.

تصویر شماره ۱۰ نشان‌دهنده قرارگاه‌های رفتاری است که در مقیاس روش زندگی اجتماعی همسایگی معمولاً بین دو الی چهار خانوار نقش ایفا می‌کنند. این فعالیت‌ها به خاطر خودمانی بودن در سیاه چادر مطبخ و پیرامون آن رخ می‌دهند. تصویر ۱۱ نشان‌دهنده دیاگرام‌های متأثر از روش زندگی اجتماعی خویشاوندی و عمومی است. در این مقیاس، سیاه چادر اصلی خانوار



ت ۱۱. دیاگرام قرارگاه‌های رفتاری مسکن در مقیاس روش زندگی اجتماعی خویشاوندی.

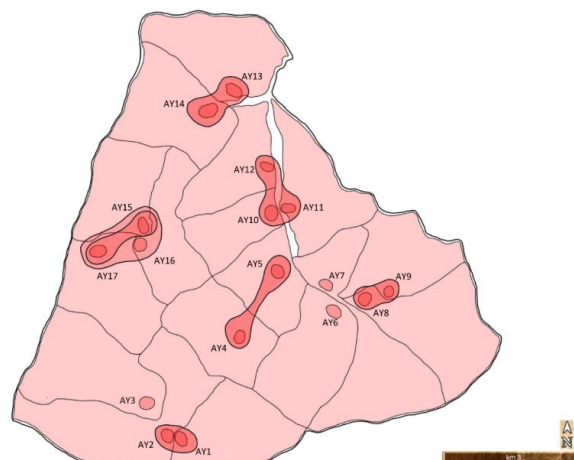


ت ۱۴. فضای داخلی سیاه چادر اصلی برای قرارگاه رفتاری پذیرایی از مهمان در مقیاس روش زندگی اجتماعی عمومی.



ت ۱۳. دیاگرام قرارگاه‌های رفتاری مسکن در مقیاس روش زندگی اجتماعی خویشاوندی.

تصویر ۱۵ نشان‌دهنده ارتباط یوردهای سکونتی عشایر در مقیاس روش زندگی همسایگی (بین دو یا سه یورد که معمولاً دارای نسبتی نزدیک یعنی برادران با پدر یا فقط برادران هستند) و اجتماعی خویشاوندی (که یک تیره از طوایف ایل را تشکیل می‌دهند) می‌باشد. یوردهای همبسته در دیاگرام نشان‌دهنده برقراری مقیاس روش زندگی همسایگی هستند و کل این گروه در یک مقیاس روش زندگی اجتماعی خویشاوندی با هم ارتباط دارند.



ت ۱۵. ارتباط معنادار یوردهای همبسته در مقیاس روش زندگی همسایگی و کل گروه در مقیاس روش زندگی اجتماعی خویشاوندی (مرزبندی‌ها، محدوده مالکیت زمین هر یورد می‌باشند و هر یورد با شماره مشخص شده است. به‌طور مثال، دو یورد AY1 و AY2 با نسبت برادری، در محدوده مالکیت زمین خود سکونت داشته و ضمن مجاورت، در مقیاس روش زندگی همسایگی با هم ارتباط دارند).

نتیجه

نتایج این پژوهش نشان‌دهنده این است که روش زندگی انسان در مقیاس‌های مختلف روی می‌دهد و قرارگاه‌ها در هر مقیاس روش زندگی بر حسب نوع و

هدف تعامل با دیگران در محیط ساخته شده ساماندهی می‌گردند. ساماندهی فضایی قرارگاه‌هایی که در خدمت مقیاس‌های روش زندگی هستند، از خصوصیات آشکار فعالیت‌های قرارگاه‌ها و معانی ضمنی فعالیت‌های آن تأثیر می‌پذیرند. دلیل این ادعا، با نگاهی به تصاویر یوردهای عشایری مشخص می‌گردد، ابعاد و کیفیت فضایی سیاه چادر اصلی خانوار که قرارگاه‌های مقیاس روش زندگی اجتماعی خویشاوندی و عمومی در آن روی می‌دهند، با تفاوت معناداری نسبت به ابعاد و کیفیت فضایی سیاه چادر مطبخ شکل گرفته است، زیرا که خصوصیات آشکار فعالیت‌ها متفاوت و همچنین معانی فعالیت قرارگاه‌های آن در نظام‌های ارزشی ساکنین آن وزن متفاوتی دارند. لذا تحلیل یافته‌ها بر این مسئله تأکید می‌گردد که مقیاس‌های روش زندگی به‌عنوان یک مؤلفه فرهنگی بارز بر شکل‌دهی محیط ساخته شده اثر مستقیم می‌گذارد.

یافته‌های تحلیلی پژوهش و بالاخص روشمندی آن در تجزیه و تحلیل عناصر آشکار و پنهان روش زندگی برای فهم مقیاس‌های روش زندگی در دیگر محیط‌های ساخته شده قابل کاربرد می‌باشد. از طرفی گروه‌های فرهنگی عشایری و روستایی همچنان بخش قابل توجهی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند که طرح‌های اسکان عشایر برای آنان در نظر گرفته می‌شود. از جمله این طرح‌ها می‌توان به «شهرک‌های دشت لار، بکان و دشت هنگام» در استان فارس و «شهرک دشت شهنسوار» در استان اصفهان و موارد مشابه اشاره نمود. روشمندی این پژوهش می‌تواند به‌عنوان الگویی کاربردی در طرح‌های اسکان برای خرده فرهنگ‌های فعلی کشور استفاده شود.

پی‌نوشت

کلیه تصاویر و دیاگرام‌های مقاله توسط نویسندگان تدارک دیده شده است.

- 1- Member
- 2- Living-Room Scale
- 3- Behavior Setting
- 4- Means-End Model

فهرست منابع

- آشوری، د. (۱۳۸۹)، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران: انتشارات آگه.
- آشوری، د.، & دیگران. (۱۳۸۱)، مسائل و چشم‌اندازهای فرهنگ (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.
- پوردیهمی، ش. (۱۳۹۰)، فرهنگ و مسکن. مسکن و محیط روستا، ۱۳۴، ۳-۱۸.
- پهلوان، چ. (۱۳۸۸)، فرهنگ و تمدن. تهران: نشر نی.
- پهلوان، چ. (۱۳۹۰)، فرهنگ‌شناسی، گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، فرهنگ پذیری، سیاست و توسعه فرهنگی. تهران: نشر قطره.
- توسلی، غ. (۱۳۷۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- جوشن لو، م.، & رستمی، ر. (۱۳۸۸)، روانشناسی بین فرهنگی. تهران: انتشارات ارجمند.
- حافظ نیا، م. (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- راپوپورت، آ. (۱۳۸۸)، انسان‌شناس مسکن. (خ. افظلیان، مترجم) تهران: انتشارات حرفه: هنرمند.
- رفیع پور، ف. (۱۳۸۹)، آناتومی جامعه. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رنجبر، ه.، & دیگران. (۱۳۹۱)، نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۳، ۲۵۰-۲۳۸.
- سهامی، س. (۱۳۸۷)، اولویت‌های ارزشی دانشجویان. پژوهش نامه علوم اجتماعی، ۲، ۱۷۲-۱۵۸.

مهم‌ترین نتیجه این پژوهش، کمک به مطالعه و فهم بهتر مفهوم «روش زندگی» از طریق دیاگرام قرارگاه‌های رفتاری محیط زندگی و معانی توأمان آن در مقیاس‌های مختلف در مسکن یک خانواده است که در جواب به پرسش‌های پژوهش، به‌لحاظ روشمندی، تحلیل ملموس یافته‌ها و استخراج نتایج از محیط ساخته شده زندگی، در رشته‌های طراحی محیطی قابلیت کاربرد دارد.

دسته‌بندی قرارگاه‌های رفتاری با توجه به مقیاس تعاملات اجتماعی و به تعبیری «مقیاس‌های روش زندگی در مسکن» مسئله‌ای است که حتی در معماری سنتی ایران با مصداق اندرونی و بیرونی نمود پیدا کرده است. مطالعه گروه فرهنگی عشایری به‌لحاظ وجه فرهنگی نسبتاً یکپارچه و موجود آن برای تشریح وجوه مفهوم «مقیاس‌های روش زندگی در مسکن» از طریق یک تحقیق کیفی نظام‌مند صورت گرفته است. بنابراین روشمندی پژوهش قابل اتکا بوده و در دیگر محیط‌های ساخته شده نیز برای کشف مقیاس‌های روش زندگی و وجوه آن قابل کاربرد است.

برای طراحی محیطی منطبق بر خواسته‌های کاربردی بهره برداران و نظام‌های فرهنگی انسان لازم است، قرارگاه‌های رفتاری مورد استفاده در مقیاس‌های مختلف روش زندگی هر فرد، خانواده و یا گروه را به‌همراه معانی ضمنی تأثیرگذار آن بر انتظام فضایی محیط زندگی مورد کاوش قرار گیرد. نکته مهم در این مسئله در این است که به‌لحاظ تفاوت‌های فرهنگی افراد، ممکن است که در محیط‌های مختلف، قرارگاه‌های متفاوتی در مقیاس‌های روش زندگی نسبت به آنچه در این تحقیق پیمایش گردید، کاربرد داشته باشد. لذا بر این مسئله تأکید می‌گردد که هر مسئله طراحی در محیط از تحلیل نظام‌های اجتماعی انسان آغاز می‌گردد.

- Coolen, H., & Ozaki, R. (2004). Culture, Lifestyle and the Meaning of a Dwelling. International Conference of Adequate & Affordable Housing for All (pp. 1-14). Toronto: Center for Urban and Community Studies, University of Toronto.
- Farlex. (2014, 10 31). TheFreeDictionary.com. Retrieved from www.thefreedictionary.com
- Gutman, J. (1982). A Means-End Chain Model Based on Consumer Categorization Processes. Journal of Marketing, 60-72.
- Heijs, W., Carton, M., Smeets, J., & Gemert, A. (2009). The labyrinth of life-styles. House and the Built Environment, 24(3), 347-356.
- Jansen, S. J. (2011). Lifestyle Method. In S. Jansen, C. Coolen, & R. Goetgeluk, The measurement and Analysis of Housing Preference and Choice (pp. 177-202). Dordrecht: Springer.
- Leslie, G. R., Larson, R. F., & Gorman, B. L. (1994). Introductory Sociology. Oxford: Oxford University Press.
- McKee, J. B. (1969). Introduction to Sociology. Holt Rinehart and Winston Inc.
- Meesters, J. (2009). The meaning of Activities in the dwelling and residential environment, a structural approach in people-environment relation. Amsterdam: IOS Press.
- Merriam-Webster. (2014, 10 31). Webster Online Dic. Retrieved from www.merriam-webster.com
- Rapoport, A. (1980). Cross-Cultural Aspects of Environmental Design. In I. Altman, A. Rapoport, & J. F. Wohlwill, Human Behavior and Environment (pp. 7-46). New York: Plenum Press.
- Rapoport, A. (1990). The Meaning of the Built Environment, a Nonverbal Communication Approach. United States of America: The University of Arizona Press.
- Rapoport, A. (1993). System of activities and system of settings. In S. Kent, Domestic Architecture and the use of space, an interdisciplinary cross-cultural study (pp. 9-20). Cambridge: Cambridge University Press.
- Rapoport, A. (2005). Culture, Architecture, and Design. Chicago, Illinois: Locke Science Publishing Company, Inc.
- Schwartz, S. H. (1992). Universals in the Content and Structure of Values: Theatrical Advances and Empirical Tests in 20 Countries. Social Psychology, 25, 1-65.
- Sills, D. L., & Merton, P. (1991). International Encyclopedia of the Social Sciences (E.S.S). New York: Macmillan.
- Simmel, G. (1922). Soziologie (2nd Ed.). Munchen und Leipzig, Duncker und Hambolt.
- Uth, T. (1996). Definition of life Style and Its Application to Travel Behavior.
- Veblen, T. (1919). The Vested Interests and the State of the Industrial Arts ("the Modern Point of View and the New Order). New York: B. W. Huebsch Mcmxix.
- سیف، ع. ا. (۱۳۸۹). روانشناسی پرورشی نوین، روانشناسی یادگیری و آموزش (نسخه ششم). تهران: نشر دوران.
- شولتز، ک. ن. (۱۳۸۲). معماری: معنا و مکان. (و. نوروز برازجانی، مترجم) تهران: نشر جان جهان.
- عسگری خانقاه، ا. & شریف کمالی، م. (۱۳۸۸). مقدمه بر انسان‌شناسی زیستی (جلد ۱ و ۲). تهران: انتشارات رهنما.
- عسگری خانقاه، ا. & شریف کمالی، م. (۱۳۹۰). انسان‌شناسی عمومی. تهران: سمت.
- فاضلی، م. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: صبح صادق.
- گیدنز، آ. (۱۳۹۱). تجلّد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. (ن. موفقیان، مترجم) تهران: نشر نی.
- محفوظی، م. & و دیگران. (۱۳۷۸). سیر تحول نظام‌های روانشناسی. تهران: جامعه پژوهشگران.
- مظفر، ف.، حسینی، ب. & عبدمجیری، ا. (۱۳۹۱). فرهنگ در پژوهش‌های معماری. مسکن و محیط روستا، ۱۳۸، ۲۹-۳۸.
- مهدوی کنی، م. س. (۱۳۸۶). مفهوم "سبک زندگی" و گستره آن در علوم اجتماعی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۱، ۱۹۹-۲۳۰.
- مهدوی کنی، م. س. (۱۳۸۷). دین و سبک زندگی (مطالعه موردی شرکت کنندگان در جلسات مذهبی). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- نورتقانی، ع. (۱۳۹۱). معنا در مسکن، مدلیابی انتظام معنای مسکن ترکمن. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- هندری، ل. & دیگران، .. (۱۳۸۱). اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان. (ف. ککولی دزفولی، & م. ملا نظر، مترجم) تهران: نسل سوم.
- هومن، ح. (۱۳۸۹). اندازه‌گیری‌های روانی و تربیتی (فن تهیه تست و پرسشنامه). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات پیک فرهنگ.
- Barker, R. G. (1968). Ecological Psychology Concepts and Methods for studying the Environment of Human Behavior. Stanford, California: Stanford University Press.
- Bourdieu, P. (1984). Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste. (R. Nice, Trans.) Harvard: Harvard University Press.
- Coolen, H. (2008). The meaning of dwelling features, Conceptual and methodological issues. Amsterdam: IOS Press.
- Coolen, H., & Meesters, J. (2012). Private and public green spaces: meaningful but different settings. Journal of Housing and the Built Environment, 27(1), 49-67.